

فرمان

شاه طهماسب صفوی

بمولانا رضی الدین محمد

نوشته

حسین میر جعفری

(دکتر در تاریخ - استاد دانشگاه اصفهان)

و

مجید هاشمی اردکانی

(دانشجوی تاریخ دانشگاه اصفهان)



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

فرمان شاه طهماسب صفوی

به مولانا رضی الدین محمد

در مورد

انتصاب وی به خلافت قسمتی از منطقه فارس (اردکان، ممسنی، کوه کیلویه)^۱

خلیفه در زمان صفویه به رئیس صوفیان گفته میشده و کلمه صوفی در اوان سلطنت پادشاهان صفوی به کسانی اطلاق میشد که به طریقت صفوی پیوسته بودند همانطور که سپاهیان مسلح مریدان شیخ جنید و شیخ حیدر را نیز صوفیان تشکیل داده بودند. سلطان حیدر برای اینکه صوفیان و مریدان صفوی را از دیگران ممتاز گرداند کلاه مخصوصی بر سر آنها گذاشت و از این تاریخ آنها را قزلباش نامیدند.

در آغاز کار شاه اسماعیل و مریدان او را تامدتی همچنان صوفی میخواندند. در کشورهای اروپائی نیز پادشاهان صفوی لقب «صوفی بزرگ» را بخود گرفته بود. این نام همچنان در دوران سلطنت صفویه در پادشاهان این سلسله باقیمانده از این زمان عنوان صوفی مفهوم مشخص تر و محدودتری یافت و بیشتر بخانواده هائی که از طوایف قزلباش که در سابقه صوفیگری و ارادت بخاندان صفوی از دیگران

۱- فرمان مذکور متعلق به اجداد آقای مجید هاشمی اردکانی میباشد که در آرشیو خانوادگی ایشان بایگانی بوده است.

ممتاز بودند تعلق گرفت بهمین جهت صوفیان بیشتر از طوایف روملو و شاملو و قاجار بودند^۲

علاوه بر اینکه «خلیفه» به رئیس صوفیان گفته می‌شده، رئیس تمام صوفیان را نیز خلیفه‌الخلفا می‌گفتند و این مقام یکی از مقامات بزرگ محسوب می‌شد زیرا خلیفه‌الخلفا از نظر صوفیان نائب مرشد کامل (شاه) محسوب می‌شد و رئیس کل آنها شخص مرشد کامل (شاه) بود. شغل جالب توجه خلیفه‌الخلفا سمتی است در تشکیلات اوایل سلطنت صفویه که بسیار شبیه به سازمانهای حکومتی استبداد جدید یک حزبی (Totalitarian) اولیاء امور مذهبی و اجتماعی و وظایف خود را که تحت نظارت اطرافیان و اعضاء فرقه صوفیه یعنی تشکیلاتی که بدست شیخ صفی‌الدین اردبیلی (وفات ۷۳۵ هـ - ق) ایجاد شده و دارای قدرت فوق‌العاده بود انجام میدادند.

خلیفه‌الخلفا نمایندگان به ایالات می‌فرستاد. مؤلف تذکره الملوک این نواب را خلیفه مینامد.

بنا بنوشته عالم‌آرا در زمان شاه طهماسب حسین قلی خان روملو «در درگاه معلی» منصب خلیفه‌الخلفائی داشت. میر صاحب نقاره و علم نبود اما بغایت معتبر و مشیر و مشارالیه بود طایفه صوفی که از دیار بکر و هر طرف روم بی‌پایه سریر اعلی جمع آمدند همگی تابع او بودند^۳ بسیاری از خلفای ساده که نمایندگان خلیفه‌الخلفا بودند ضمناً به سمت «حاکم» ایالات نیز منصوب میشدند^۴

۲- نصراله فلسفی، زندگانی شاه‌عباس اول (ضمائم) جلد ۱ ص ۱۸۲-۱۸۱

۳- نقل از کتاب سازمان اداری حکومت صفوی تألیف مینورسکی ترجمه مسعود رجب‌نیا ص ۱۰۵-۱۰۴.

۴- اسکندر بیگ ترکمان مؤلف عالم‌آرای عباسی از اشخاصیکه حاکم ولایات بوده و لقب خلیفه هم داشتند بشرح زیر یاد میکند و در مورد ذکر اسامی امراء طایفه شاملو مینویسند «فولاد خلیفه حاکم ولایت همدان بود دیگر

گاهی اوقات خلفا که حاکم ایالات هم بودند موظف بودند که وظایف سپاهیگری را هم به عهده گرفته و با دشمنان بجنگند. مؤلف احسن التواریخ در مورد محاربه قورچیان استاجلو و غریبلو با گیکلان در زمان شاه طهماسب مینویسد: «آنحضرت قوچ خلیفه مهرداد و امیرغیب بیگ را با دیگر سرداران بر سر مخالفان ارسال نمود»^۵ با توجه به همه احوال، همانطور که در فرمان شاه طهماسب که ضمیمه این مقاله است وظایف اصلی خلیفه بشرح زیر قید شده است:

برپا داشتن مراسم دینی در شبهای شریفه و تشویق مردم به گزاردن نماز و امر بمعروف و نهی از منکر و توسعه و تعمیر مساجد و مدارس و تکایا و قبور متبرکه و از بین بردن آلات محرمه و تشویق مردم به وظایف دینی و منع از رؤیت عوارت و تخریب عمارات نامشروع و امثال اینها

در فرمانی که شاه طهماسب به خلیفه اردکان و ممسنی و کمهگیلویه داده عموم بنزرگان، از جمله وزراء و کلانتران و تیولداران و داروغگان و از شاغلین در امور دیوانی محل خواسته که تا اوامروى را بمرحله اجراء در بیاورند.

در سال ۹۶۳ (۱۵۵۵ م) شاه طهماسب اول تصمیم گرفت که ایالات را از لوٹ «منهیات» پاک کند. به گوش شاه رسیده بود که حکام مشهد به فرمانهای وی درباره «منع و نهی نامشروعات»

سلیمان خلیفه که او از حکومت استرآباد معزول گشته و در درگاه معلی بود. در ذکر امراء ذوالقدر نیز چنین توضیح میدهد: «محمد خلیفه عمزاده ابراهیمخان حاجی لر حاکم استرآباد بود. دیگر شاهقلی خلیفه از امراء بزرگ حاکم لار و بحر فارس بود» (جلد ۱ ص ۱۴۰).
در مورد امراء طالش مینویسد «الیاووت و ابراهیم خلیفه در چخور سعدالکاء داشت» در مورد امراء طایفه اکراد بدینگونه شرح داده که «قلیچ خلیفه پازوکی از امراء چخور سعد بود».

۵- احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، ص ۴۴۹.

تعطل و قصور ورزیده اند. بهمین جهت وی حاکم آن محل را عوض کرده و در فرمان انتصاب به حاکم جدید اخطار شد که «..... و در اجرای احکام و اوامر شرعیه و دفع و رفع مکاره و مناهمی که بمعهده اهتمام سیادت و نقابت پناه شیخ الاسلام معزالسیاده والنقابه «خلیفه» اسداله اصفهانی متولی آن آستان ملائک باستان منوط و مربوط فرموده ایم مجهود و مبذول مرعی داشته به رأی شرع آرای او و مقتضای شرع شریف عمل نماید.^۶

اما فقط کار مشهد مقدس بدین منوال نبود. شاه طهماسب به تمام حکام و اغلب نمایندگانش یادآوری و گوشزد مینمود که به استحکام مبانی شریعت کمک کنند.

در برخی از اوضاع و احوال، حاکم یا خلیفه شخصاً به وکالت از طرف شریعت دست به کار می شد و وظیفه خود میدانست که اعمال خلاف شرع را مورد تعقیب قرار دهد. گاه به گاه بر اثر جلوس پادشاهی به تخت سلطنت یا توبه فرمانهایی صادر می شد که بر طبق آن می بایست به کمک قوای دولتی و قهری به تحکیم و تنقید قوانین شرعی پردازند. از شاه طهماسب اول اطلاع داریم که دوبار توبه کرد. در سال ۹۳۹ (۱۵۳۳ م.) به این مناسبت دستور داد تا تمام میخانه ها را ببندند و قس علیهدا. در سال ۹۶۳ (۱۵۵۶ م) نذر کرد که از آن پس هرگز به عملی خلاف شرع دست نزنند و از همه امرا بلکه تمام مردم خواست که از سرمشق او پیروی کنند.^۷

۶- نظام ایالات در دوره صفویه، رهبرن، ترجمه کیکاوس جهاننداری ص ۱۰۴ منقول از افضل التواریخ ج ۲ ص ۲۱۸.

۷- حسن بیک روملو در احسن التواریخ (ص ۳۹۶) در مورد توبه شاه طهماسب مینویسد: هم درین سال (۹۶۳ هجری قمری) امراء و اعیان از کل مناهمی توبه فرمودند، این قطعه در تاریخ این مقدمه وارد گشت:

سلطان کشور دین طهماسب شاه عادل سوگند داد توبه خیل و سپاه دین را تاریخ توبه دادن شد توبه نصوحاً سر الهیست این منکر مباش این را

در فرمان‌هایی که شاه طهماسب به حکام ایالات در مورد رفع مناهمی داده یکی هم فرمان نامبرده به خلیفه یا حاکم اردکان و ممسنی و کم‌کیلویه است که ضمیمه همین مقاله می‌باشد. توضیحاً باید گفت به این‌گونه فرمانها یعنی به فرمان‌هایی که درباره انتصاب خلفا و تعیین وظائف آنها صادر می‌شد و منحصر به دوره صفویه بوده‌اند عنوان «شجره» اطلاق می‌شده است که در مقررات و ضوابط تنظیم آنها با آنچه در سایر اقسام فرامین دوره صفویه می‌بینیم تفاوت‌هایی خاص وجود داشته است.^۸

قبل از درج عین فرمان بجاست که موقعیت مناطق نامبرده را در زمان شاه طهماسب مختصراً از نظر بگذرانیم. از دوره صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷-۱۷۲۲-۱۵۰۲) هیچ اثر جغرافیائی در دست نیست که بتواند تصویری از حکومت‌های ایالتی مملکت بماند. تنها وقایع نامه‌ها به ما امکان می‌دهد تا تصویری را که به کمک کتاب تذکره الملوك از اواخر دوره صفوی در دست هست اطلاعاتی را در این خصوص کسب نمائیم.

در اواسط سلطنت شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷-۲۴-۱۵۰۲) که مؤسس سلسله صفوی است مملکت ایران چنان بسط و توسعه یافت که هرگز در ادوار بعد بدان پایه نرسید. شاه طهماسب اول (۴۸۴-۹۳۰-۷۶-۱۵۲۴ م) توانست حدود و ثغور مملکت را تقریباً به همان اندازه که در زمان مرگ مؤسس سلسله صفوی بود نگاه دارد بنا بنوشته سفیر ونیزی دالساندری که در زمان شاه

۸- برای آگاهی از شجره‌ها و مختصات و ضوابط آنها و همچنین اقسام دیگر فرامین در دوره صفویه به کتاب «مقدمه‌یی بر شناخت اسناد تاریخی» تألیف دکتر جهانگیر قائم‌مقامی رجوع کنید (برای شجره از صفحه ۹۰ تا ۹۵ و برای سایر فرامین به صفحات ۶۵ تا ۹۰ و ۱۰۵ تا ۱۱۵).

طهماسب بایران مسافرت کرده بود، کشور مزبور به پنجاه و دو شهر تقسیم شده بود.

فارس (شیراز) در سال ۹۰۹ (۱۵۰۳ م) به تصرف قزلباشها درآمد و تا آخر دوره حکومت صفوی جزئی از دولت آنان بود. در آن دوران از لفظ فارس «شیراز» به معنی وسیع آن مراد میشد. مناطق ساحلی خلیج فارس که ما از ابتدای دوره صفویه هیچ اطلاعی از آن در دست نداریم حداکثر از زمان شاه طهماسب اول به صورتی جداگانه به حکومت کوه گیلویه مبدل شد. حوزه فرمانروائی آنها بعدها از طرف شمال و مغرب توسعه یافت^۹

از متن فرمان چنین برمی آید که مناطق یاد شده در نامه شاید یکی از ولایات را در دوره شاه طهماسب تشکیل می داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۹- نظام ایالات در دوره صفویه ص ۱۳.

متن فرمان شاه طهماسب

بسم الله الرحمن الرحيم

یا محمد یا علی بهون مرتضوی

ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

درود نامعدود خجسته و رود هادی الرسالتی اجل جناب جلاله
 عزلا حاطه بکنه کماله که بمومی حقیقت اقتضای من هدالله فهوالمهتد
 ومن یضل من تجدکه ولیا مرشداً هادیان مسلك بدایش مرشدان منابع
 صواب را بمنبح قویم شریعت غرا و ملت زهرا رسانید و صلوات و
 صلوات سکنه النفعات نثار بارگاه تخت اصطفی صاحب مسند یاد
 او دانا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم و آن ملبس بلباس وحی
 اقتباس اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولو الامر منکم الذی نزل فی شانہ
 من کلام و ما ارسلناک الا رحمتہ للعالمین و برآن صدر جریده اصفیا
 مهبط انوار وحی آثار انت مددی و علیک معتمدی مطرح اشعه
 لمعات انت الخلیفه من بعدی امیر المؤمنین و امام المتقین و یعسوب
 المسلمین الذی نزل فی شانہ انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس
 اهل البیت و یطهرکم تطهیراً و برآن ابراز عالی مقدار که
 مخاطب مستطاب مثل اهل بیته کمثل سفینه نوح من ركب عنها نجي
 و من تخلف عنها غرق و بعد چون از دار الخلافه رفیع المرتبه انی
 جاعل فی الارض خلیفه منشور لامع النور خلافت ممالک هدایت که

بطفرای غرای و هو الذی جعلکم خلائف فی الارض مزین است نمودای
 حقیقت ادای لیستعجلکم فی الارض کما استخلف الذی من قبلکم موشح
 و مرسح باسم سامی بهون ما شده پس بشکرانه این موهبت علیه
 برذمت همت لازم داشته ایم که در هر قطری از اقطار نصب خلفاء
 دین دار شریعت شعار فرمائیم که حلیه حلیه بزیرا خرجت للناس
 یا مرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله محلی
 و محلی باشد و درین ولای شریعت شعار فضایل تقوی دثار ورع
 آثاری مولانا کمال الدین عبدالسلام علوی بدرگاه عرش اشباه آمده
 بعز بساط بوسی مفتخر و سرافراز گشت و بشرف لبس تاج با ابتهاج
 از دست نواب کامیاب بهون ما مشرف و صورت استحقاق و استمهال
 والد خود را شریعت و فضایل ماب تقوی و ورع شعاری عمده -
 المتورعین الزاهدین مولانا رضی الدین محمد برضمیر منیر بهون
 عرض کرد منصب خلافت محال ذیل را بدو شفقت فرموده
 ارزانی داشتیم .

همایجان سیما قریه علی^{۱۰} و اردکان^{۱۱} ابنا و بیضا و مهرنجان -

۱۰ - قریه علی امروز بنام (دالین) خوانده میشود .

۱۱ - اردکان در صد کیلومتری شمال شیراز در دامنه سلسله کوههای
 دینار واقع شده و بقول میرزا حسن طیب - فسائی مؤلف فارسنامه ناصری
 (ص ۱۷۲) «... دشتش در دو ماه پراز برف و یخ است . گرد کافور است گوئی
 بیخته بر کوهسار ، تیغ پولاد است گوئی ریخته بر جویبار ، کوه زیر برف
 همچون قار پوشیده بسیم ، برف زیر زاغ همچون سیم آلوده بقار ، برف
 کوهستانش محتاج بمحافظت نباشد اهلس در تابستان از ایوان بیرون نخسبند .
 درختان تنومند از دوجانبش فرسخی از بالا و فرسخی از زیر رسته
 بیکدیگر پیوسته است که در دو فرسخ راه آفتاب کمتر دیده شود .

صورجان شولستان^{۱۲} سماشعب‌باشت

احشام شول ابوخالدی و جاوید و بکش و رستم و توابع که طالبان را بعداز تحقیق حال تاج عالمخراج حواله نموده بدوام ذکر و احیای لیلی شریفه مشرفه و برغبت نماز و لوازم امر بمعروف و نهی از منکرات و ترویج و تنسیق مساجد و مدارس و تکایا دزوایا و بقاع الخیر و کسرآلات محرمه و منع وزجر فسقه و فجره و مبتدعه و کسر ظروف و آلات محرمه و تحریص خلائف و وظایف طاعات و عبادات و منع اجانب از رویت عورات و تخریب عمارات نامشروع و غیر ذلك بجای آورده و دقیقه‌ای از دقایق سعی و اهتمام فوت و فرو گذاشت ننماید . سبیل سادات عظام و قضاة اسلام و حکام کرام و وزراء ذوی الاحترام و کلانتران و تیولداران و داروغگان و متصدیان مهمات دیوانی و ارباب و اصول و اعیان و

بساطی سبز چون جان خردمند
برند و مرغکان گستاخ گستاخ
یسرگوشه دمرغک گوش برگوش
هوایی معتدل چون مهر فرزند
حمایل برحمایل شاخ بر شاخ
زده برگل صدای نوش بر نوش
شهراردکان امروزه مرکز عشایر بویر احمدی ، کشکولی و ممسنی است .

۱۲ - شولستان ناحیه‌ایست مشتمل بر جلگه نورآباد ، بکش نام دارد و نواحی چهارگانه بکش ، فهلیان ، جاوید و رستم که نام قسمتهای مختلف خاک ممسنی و مجاور یکدیگر است باضافه ناحیه دشمن زیاری که مجموعاً شولستان نامیده میشود . (ذیل اقلیم پارس ، مصطفوی ص ۳۹۷) بنا بنوشته مؤلف عالم آرا در اوایل قرن هشتم هجری ، مهاجمین جدیدی به کوه گیلویه روی آوردند که ایشان از طوایف ایرانی شول بودند که سابقاً در لرستان مرکزی مقر داشتند افراد ایل شول در ایل لر ممسنی که خود از تیره های مختلف ترکیب یافته بود مستحیل گشتند (نقل از سازمان اداری حکومت صفوی مینورسکی ص ۲۰۶)

عموم سکنه متوطنه و مریدان و معتمدان خاندان ولایت و خلافت و تکیه داران و درویشان و گوشه نشینان و غیر ذلك که اورا خلیفه دانسته و رساله حکم مجدد مطالبه ندارند فی سنه ۹۴». و مضمون طغرای این شجره چنین است :

«من طهماسب بن اسماعیل اخوة علی بن حیدر بن جنید بن ابراهیم بن علی بن موسی بن صفی.»

زیر کتابخانه مدرسه نجفیه قزوین





پښتونستان د علومو او مطالعات فریښی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی